

به نام خدا

## موضوع تحقیق

# بخش نامه های مرتبط با عریضه نویسی

## گردآورنده

داوود سعیدی

## ناشر

پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر

[Www.HaghGostar.Ir](http://www.HaghGostar.Ir)



\* منبع : آئین دادرسی مدنی (علمی، کاربردی). دکتر بهرام بهرامی چاپ نهم پائیز ۸۵ انتشارات نگاه بینه

## بسم الله الرحمن الرحيم

در مورد نحوه عریضه نویسی و تکمیل نمودن قسمت شرح دادخواست در فرم های مخصوص دادخواست بخش نامه و قانون خاصی وضع نگردیده است ولی آنچه در مورد شیوه نگارش متون حقوقی و بالاخص قسمت شرح دادخواست در فرم های مخصوص دادخواست عرف و مسلم است این است که در بیان عرض حال باید به طور مختصر و مفید و به دور از حاشیه نویسی، خیلی صریح، واضح و با رعایت نهایت ادب در مقام خطاب به دادگاه، ابتدا سابقه ای از موضوع، سپس اتفاق و در نهایت درخواست خواهان از دادگاه درج گردد.

در نگارش هایی اینچنین هر چه متن طولانی تر شود مطالعه آن از حوصله دادگاه خارج می گردد و نه تنها کمکی به درک درست قضات از شرح واقع نمی کند بلکه ممکن است به سبب حاشیه روی غیر متعارف تمرکز خواننده از موضوع اصلی متوجه موضوعات فرعی شود و متعاقباً زمان بیشتری در دادرسی صرف گردد.

نگارنده باید دقت داشته باشد تا از ابراز مطالبی که به صراحت در قانون ذکر گردیده خودداری کند و در مواردی که نیاز است به موادی از قانون استناد شود فقط به نوشتن شماره مواد قانونی بسنده کند. مگر در مواردی که نگارنده سعی دارد استدلال خود را از مواد قانونی مرتبط با موضوع بیان کند. و نیز از نگارش مطالبی که خلاف قانون است و یا موجب تضعیف قانون می گردد و حتی الامکان باید مطالبی ذکر گردد که موجب قوت گرفتن قانون در راستای رسیدگی بهتر به موضوع شود.

با این وجود به دلیل نحوه عریضه نویسی به شکل عرفی، فقدان قانون و بخش نامه محسوس نیست ولی قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در مواد ۵۱ و ۵۲ در مورد نحوه تنظیم دادخواست مطالبی را عنوان کرده است که بیشتر به تشریح قسمت های مختلف دادخواست بر اساس فرم های خاص قضائی نموده است که در ذیل به توضیحی در این خصوص می پردازیم.

\*

دادخواست به معنی دادخواهی، دادخواستن، تظلم خواهی است، به موجب ماده ۴۸ ق آ د م مصوب ۱۳۷۹، رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست است.

مطابق ماده مذکور شروع به رسیدگی در دادگاه مستلزم تقدیم دادخواست می باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می گردد.

همچنین ق آ د م سابق نیز در ماده ۷۰ شروع به رسیدگی در دادگاههای دادگستری را محتاج تقدیم دادخواست می دانست، و همچنین رأی وحدت رویه به شماره ۵۸۲ مورخ ۷۱/۱۲/۲ و شعب دیوان عالی

کشور مصوبه ۲۱ خرداد ۶۸ و نیز نظریه ۷/۲۱۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۳/۱۷ اداره حقوقی قوه قضائیه، شروع رسیدگی به دعاوی حقوقی را مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می دانند.

لذا در ماده ۵۱ ق آ د م مصوب ۱۳۷۹ آمده است دادخواست باید به زبان فارسی و در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود.

با توجه به مواد ۷۰ و مواد ۱۵۲ تا ۱۵۴ ق آ د م سابق و مستنداً به مواد ۴۷، ۲۵۹، ۱۹۶، ۲۹۹ آئین دادرسی مدنی جدید، درخواستی که رسیدگی به آن منجر به صدور قرار یا حکم گردد، مستلزم تقدیم دادخواست است و دادخواست برگ و فرم قضایی مخصوص و رسمی است که خواهان خواسته خود را بر روی آن می نویسد.

دادگاه عالی انتظامی قضات به موجب حکم شماره ۳۸ مورخ ۱۳۰۶/۰۶/۲۶ پذیرفتن و جریان دادن عرضحال، در اوراق غیررسمی را تخلف دانسته است. به علاوه، قسمت اخیر ماده ۷۱ ق آ د م سابق مقرر می داشت دادخواست باید به زبان فارسی و در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود، مگر در نقاطی که برگهای نامبرده در دسترس عموم نباشد. در موارد فوری ممکن است دادخواست تلگرافی باشد، قانون جدید فرض عدم دسترسی به برگهای چاپی مخصوص و همچنین فرض موارد فوری برای استفاده از تلگراف را منتفی دانسته است.

به موجب مواد ۵۱ و ۵۲ ق آ د م برگ دادخواست باید حاوی نکات زیر باشد:

۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خواهان، که عبارت "حتی الامکان شغل خواهان" در بند فوق دارای ابهام است و با متدولوژی حاکم بر قوانین شکی ناسازگار می باشد. به علاوه برای ذکر شغل خواهان منطقیاً چه حدالامکانی متصور است. اگر این را برای شغل خوانده می گفت به نوعی می شد توجیه کرد.

تبصره ای که در بند اول ماده ۵۱ آمده است چنین مقرر می دارد: در صورتی که دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد.

۲- نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خوانده.

منظور از اقامتگاه مرکز مهم امور هر شخص است و اگر معلوم نبود محل سکونت به عنوان اقامتگاه خواهد بود، اقامتگاه اشخاص حقوقی نیز به موجب ماده ۱۰۰۲ ق م مرکز عملیات آنها خواهد بود و به استناد ماده ۵۰ و ۵۹۱ ق ت اقامتگاه اشخاص حقوقی عبارت از محل اداره شخص حقوقی است.

۳- تعیین خواسته و بهای آن مگر آنکه تعیین بها ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد.

۴- تعهدات و یا جهاتی که به موجب آن خواهان خود را مستحق مطالبه می داند به طوری که مقصود واضح و روشن باشد.

- ۵- آنچه که خواهان از دادگاه درخواست دارد.
- ۶- ذکر ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد، از اسناد و نوشته، شهود و غیره.
- ۷- امضای دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء اثر انگشت او.
- ۸- به موجب ماده ۵۲ ق آ د م در صورتی که هر یک از اصحاب دعوی، عنوان قییم، متولی، موسی، مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد، باید تصریح شود.
- عدم ذکر عنوان قییم، متولی، مدیر و ... در دادخواست به منزله آن است که دادخواست دهنده از ناحیه خود اقدام به طرح دعوی نموده است. مگر اینکه شرح و مفاد دادخواست گویای این مطلب باشد. در اینصورت با اخذ توضیح رفع ابهام می شود.
- ۹- به استناد تبصره ۱ و ۲ بند ۷ ماده ۵۱ ق آ د م اقامتگاه خواهان و خوانده باید با تمام خصوصیات از قبیل شهر، روستا، خیابان، پلاک، طبقه و ... درج شود و اگر خواهان و یا خوانده شخص حقوقی باشد اقامتگاه شخص حقوقی قید می شود.
- در دعاوی حقوقی دادخواست پایه و اساس کار دادگاه در رسیدگی است. برای دادخواست شرایط خاصی پیش بینی شده است. به نحوی که عدم رعایت هر یک از آنها موجب تأخیر در دادرسی می شود، یا منتهی به صدور قرار رد و یا توقیف دادخواست می گردد.
- قانونگذار شرایط دادخواست و ضمانتهای عدم رعایت آن را دقیقاً احصاء کرده است که به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۱- شرط اول پر کردن و تنظیم دادخواست می باشد. دادخواست باید به زبان فارسی و روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شود.

نظریه شماره ۷/۱۰۷۹۱ مورخ ۸۲/۱۲/۲۷ اداره حقوقی قوه قضائیه با توجه به ماده ۵۱ ق آ د م چنین عنوان می کند: در صورتی که دادخواستهای موضوع استعمال که به وسیله کامپیوتر طراحی و چاپ می شود از لحاظ شکل مثل دادخواستهایی که دادگستری عرضه می کند باشد و تمبر لازم هم بر طبق قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، بر روی آن الصاق شود، طرح دعوی به وسیله آنها فاقد اشکال است.

استثنائات وارد بر تنظیم دادخواست بر روی برگهای چاپی:

الف) در نقاطی که برگهای چاپی در دسترس نباشد، می توان در اوراق غیرچاپی دادخواست داد. ولی ق آ د م تصور عدم دسترسی به اوراق مخصوص چاپی را منتفی فرض کرده است. لذا در ماده ۵۱ ق آ د م آمده است: "دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگهای چاپی مخصوص نوشته شده و حاوی نکات زیر باشد..." به هر حال نه در قانون سابق و نه در قانون جدید، ضمانت اجرایی در

صورت تخلف پیش بینی نشده است. به همین جهت صدور حکم دادگاه انتظامی مبنی بر تخلف برای پذیرفتن عرض حال در غیر اوراق رسیم محل تأمل است.

حکم شماره ۳۸ مورخ ۱۳۰۶/۰۶/۲۹ دادگاه عالی انتظامی قضات پذیرفتن و جریان دادن عرض حال را که در اوراق غیر رسمی باشد، در غیر موارد استثناء تخلف دانسته است.

ب) در موارد فوری نیز ممکن است دادخواست تلگرافی باشد. مانند وقتی که بین محل اقامت دادخواست دهنده و دفتر دادگاه فاصله زیادی وجود داشته باشد و احتمال انقضای مهلت برود، به خصوص در دعاوی که مقید به مهلت است، مانند دعاوی اعتراض به ثبت و تحدید و حدود، وخواهی، تجدید نظر خواهی و ...

ج) در دعاوی خانوادگی به موجب ماده ۲ آئین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده و به استناد ماده ۸ قانون دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸، ضرورتی برای تنظیم دادخواست در اوراق چاپی وجود ندارد و رعایت تشریفات الزامی نیست.

د) در امور حسبی موضوع قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ نیز ضرورتی به تنظیم دادخواست در اوراق مخصوص نیست.

ه) در امور کیفری نیز لزومی به تنظیم شکایت در اوراق مخصوص نیست. .

۲- به استناد ماده ۷۸ ق آ د م ۱۳۱۸ "تاریخ تقدیم دادخواست باید شمسی و با تمام حروف نوشته شود." و مستنداً به ماده ۸۱ ق آ د م ۱۳۱۸ "مدیر دفتر دادگاه بلافاصله پس از رسیدن دادخواست باید آن را ثبت کرده، رسیدی مشتمل بر نام مدعی علیه و تاریخ تسلیم از روز و ماه و سال با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست تاریخ دادخواست را قید کند ..." در قانون آئین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ راجع به تکلیف دادخواست دهنده مبنی بر قید تاریخ، سکوت نموده است.

لیکن در خصوص تکلیف مدیر دفتر در ماده ۴۹ ق آ د م ۱۳۷۹ آمده است "مدیر دفتر دادگاه پس از وصول دادخواست باید فوری آن را ثبت کرده رسیدی مشتمل بر نام خواهان، تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) با ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده دادخواست بدهد و در برگ درخواست تاریخ تسلیم را قید نماید..." به نظر می رسد عدم ذکر تاریخ توسط دادخواست دهنده تأثیری در روند رسیدگی نخواهد داشت و صرفاً مدیر دفتر مکلف به قید تاریخ به روز و ماه و سال است. البته تأکید مبنی بر اینکه به تاریخ شمسی و به حروف باشد، نگردیده است. هر چند رویه بیانگر رعایت آن است.

۳- به استناد بند ۱ ماده ۵۱ ق آ د م ۱۳۷۹ خواهان باید در دادخواست نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، اقامتگاه و حتی الامکان شغل خود را بنویسد و اگر دادخواست توسط وکیل تقدیم شود مشخصات وکیل نیز باید درج گردد. ماده ۵۶ ق مزبور ضمانت اجرای عدم ذکر مشخصات خواهان یا عدم قید محل اقامت خواهان را بیان کرده است و مقرر می دارد "هرگاه در دادخواست، خواهان یا

محل اقامت او مشخص نباشد. ظرف دو روز از تاریخ رسید دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر دادگاه و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می کند، دادخواست رد می شود. چنانچه ملاحظه می شود صرفاً ضمانت اجرای عدم قید مشخصات و اقامتگاه خواهان تبیین شده است. ولی مراجع به سایر موارد مذکور در بند ۱ ماده ۵۱ ق آ د م یعنی عدم ذکر (نام پدر، سن، شغل خواهان) ضمانت اجرایی پیش بینی نشده است.

۴- به استناد بند ۲ ماده ۵۱ ق آ د م ۱۳۷۹ خواهان باید نام و نام خانوادگی، اقامتگاه و شغل خواننده را در دادخواست قید نماید و به موجب ماده ۵۴ ناظر به بند ۲ ماده ۵۱ ق آ د م "مدیر دفتر دادگاه ظرف دو روز نقایص دادخواست را به طور کتبی و مفصل به خواهان اطلاع داده و از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز به او مهلت می دهد تا نقایص را رفع نماید. چنانچه در مهلت مقرر اقدام به رفع نقص ننماید، دادخواست به موجب قراری که مدیر دفتر و در غیبت مشارالیه جانشین او صادر می کند، رد می گردد..."

رویه دادگاهها نسبت به تعیین اقامتگاه و شغل خواننده همیشه توأم با تسامح و اغماض بوده است. بهتر آن است که در قواعد شکلی عموماً و در قوانین امری خصوصاً تعیین تکلیف مواردی با ادات امر و نهی تبیین می گردد دقیقاً مشخص شود.

۵- از شرایط دیگر دادخواست تعیین خواسته و بهای آن است. خواسته عبارت از چیز یا مال است، که در دعاوی مدنی و تجاری و یا در امور حسبی اشخاص به طرفیت خواننده از دادگاه تقاضا می کند. خواسته مترادف "مدعی به" است. یعنی آنچه مدعی از دادگاه می خواهد. خواسته ممکن است غیرمالی و یا مالی باشد. در هر حال باید خواسته منجزاً اعلام شود. یعنی مردد بین دو یا چند امر و یا معلق به تحقق امری در آینده نباشد. خواسته ممکن است ضرر و زیان ناشی از قرارداد و یا الزامات خارج قراردادی و یا ایفای تعهد و یا انجام آثار ناشی از قراردادها مانند الزام به تنظیم سند رسمی، تحویل مبیع، تأدیه ثمن، پرداخت اجاره بها و ... باشد. خواسته اگر متعدد باشد باید در دادخواست جداگانه مطرح شود مگر اینکه منشاء و مبنای دعاوی واحد باشد.

۶- به استناد بند ۶ ماده ۵۱ ق آ د م خواهان باید دلایل اثباتی ادعای خود را به طور واضح در دادخواست قید نماید. و اگر دلیل او گواهی گواه یا گواهان باشد، اسم و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صحیح معین کند.

در بند ۶ ماده ۷۲ ق آ د م ۱۳۱۸ آمده بود "در دادخواست باید نکات زیر قید شود: ذکر تمام ادله و وسایلی که خواهان برای اثبات ادعای خود دارد از اسناد، نوشته و اطلاع مطلعین و غیره. ادله مثبتیه باید به ترتیب و واضح نوشته شود و اگر دلیل، گواهی گواه است خواهان باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنان را به طور صریح معین کند."

وجود تمایز بند ۶ ماده ۵۱ ق آ د م ۱۳۷۹ با بند ۶ ماده ۷۲ ق آ د م ۱۳۱۸: اولاً در قانون سابق آمده بود: "محل اقامت آنان را به طور صریح معین کند" در قانون جدید گفته است: "به طور صحیح معین کند" صریح در مقابل غیر صریح و ضمنی به کار می رود. حال آنکه صحیح در مقابل غیر صحیح و نادرست به کار می رود. ثانیاً در قانون سابق آمده بود "ذکر تمام ادله ... ولی در قانون جدید آمده است: "ذکر ادله و ..." بنابراین به موجب قانون آئین دادرسی مدنی جدید ضرورتی به ذکر تمام ادله نیست. زیرا ممکن است خواهان بنا بر جهاتی مایل به بیان و ذکر اموری نباشد. مگر اینکه دلایل دیگر کفایت نکند و یا اینکه طرف او را ناچار کند. گاه ممکن است ذکر تمام ادله خود باعث طولانی شدن جریان دادرسی و تأخیر در وصول خواسته گردد. تصور می شود این ترتیب از شیوه پیشین منطقی تر باشد. لیکن اشکالی که متصور است. اینکه ممکن است، موجب غافلگیری خواننده در دفاع شود. همچنین نظم در دادرسی را مختل کند.

۷- به استناد بند ۷ ماده ۵۱ ق آ د م ۱۳۷۹ امضاء دادخواست دهنده و در صورت عجز از امضاء اثر انگشت از شرایط دادخواست محسوب است. در ماده ۷۸ ق آ د م ۱۳۱۸ آمده بود: "دادخواست دهنده باید زیر دادخواست را امضاء کند و در صورت عجز مهر یا اثر انگشت خود را بگذارد و شخص معتمدی مهر یا اثر انگشت او را گواهی کند." چنانکه ملاحظه می شود در بند جدید مهر را به لحاظ امکان سوء استفاده حذف کرده است، همچنین گواهی شخص معتمد نیز به دلایل نامعلوم حذف شده است. در هر حال در خصوص عدم اجرا یا اثر انگشت در دادخواست ضمانت اجرایی پیش بینی نشده است. معهداً با التفات بر مفهوم مخالف صدر ماده ۵۳ ق آ د م که مقرر داشته است "... در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می شود لکن برای به جریان افتادن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود..." چنین استفاده می شود که در اینگونه موارد از پذیرش پرونده امتناع می شود. این رویه مبنای علمی و حقوقی ندارد. لکن تنها مستند قانونی است. شاید علت اینکه بند ۷ را از شمول موارد مذکور در بند ۲ ماده ۵۳ ق آ د م مجزا و شامل حکم ماده ۵۴ ناظر به بند ۲ ماده ۵۳ ق آ د م ندانسته است، به واسطه این است که تا دادخواست امضاء یا اثر انگشت نداشته باشد قابل استناد و معتبر نیست در ماده ۷۲ ق آ د م ۱۳۱۸ که راجع به نکاتی است که باید در دادخواست قید شود، ذکری از امضاء و اثر انگشت نشده بود. لیکن در ماده ۷۸ قانون مزبور آمده بود. "دادخواست دهنده باید زیر دادخواست را امضا کند و در صورت عجز از امضاء مهر یا اثر انگشت خود را بگذارد..." در این ماده نیز صراحتی در این خصوص نیامده بود و با استنباط به مفهوم مخالف ماده ۸۴ ق آ د م ۱۳۱۸ که مقرر می داشت "در موارد زیر دادخواست قبول ولی برای اینکه به جریان افتد باید تکمیل شود..." در موردی که دادخواست فاقد امضاء و یا اثر انگشت و یا مهر بود قرار رد دادخواست صادر می شد در اینجا نیز به نظر به استناد مفهوم مخالف صدر ماده ۵۲ ق آ د م می توان قرار عدم پذیرش دادخواست یا قرار رد دادخواست توسط مدیر دفتر دادگاه صادر نمود.

۸- پیوست نمودن رونوشت یا تصویر اسناد به دادخواست از شرایط دیگر دادخواست است. رونوشت یا تصویر باید خوانا و مطابق آن با اصل، گواهی شده باشد. مقصود از گواهی آن است که دفتر دادگاهی که دادخواست به آنجا داده می شود، یا دفتر یکی از دادگاههای دیگر یا یکی از ادارات ثبت اسناد یا دفتر اسناد رسمی و در جایی که هیچ یک از آنها نباشد، بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی، مطابق آن را با اصل گواهی کرده باشد. در صورتی که رونوشت یا تصویر سند در خارج از کشور تهیه شده باشد، مطابق آن با اصل در دفتر یکی از سفارتخانه ها و یا کنسولگری های ایران گواهی می شود. علاوه بر اشخاص و مقامات فوق، وکلای اصحاب دعوی نیز می توانند مطابقت رونوشت های تقدیمی موکل خود را با اصل تصدیق کرده، پس از الصاق تمبر به مرجع صالح تقدیم نمایند. نکته قابل توجه این است که وکلا فقط مدارک موکل خود را می توانند گواهی یا فتوکپی برابر اصل نمایند که به عبارت دیگر وکلا به طور مطلق و همچنین در جایی که اصالتاً طرح دعوی می کنند مجاز به مطابقت رونوشت با اصل نمی باشند. و صرفاً وقتی در مقام وکیل مبادرت به طرح دعوی نمایند می توانند اسناد موکل خود را تصدیق نمایند.

۹- به موجب ماده ۵۸ ق آ د م "در صورتی که اسناد به زبان فارسی نباشد، علاوه بر رونوشت یا تصویر مصدق، ترجمه گواهی شده آن نیز باید پیوست دادخواست شود. صحت ترجمه و مطابقت رونوشت با اصل را مترجمین رسمی یا مأمورین کنسولی حسب مورد گواهی خواهند نمود."

۱۰- به موجب ماده ۵۹ ق آ د م "اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل و یا نماینده قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه می گردد."

۱۱- به موجب ماده ۶۰ ق آ د م "دادخواست و کیله برگهای پیوست آنان باید در دو نسخه و در صورت تعدد خواننده به تعداد آنها به علاوه یک نسخه تقدیم دادگاه شود." یک نسخه در پرونده نگهداری و جزء مستندات رأی دادگاه خواهد بود و نسخه یا نسخ دیگر برای خواننده یا خوانندگان ارسال می شود.

شاد و پیروز باشید  
داوود سعیدی

نشر: پایگاه نشر مقالات حقوقی، حق گستر